



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Purposes and Bases of Damages for Breach of Contract with Emphasis on Judicial Decisions

Esmail Nematollahi 

Department of Private Law, faculty of law, University of Qom, Qom, Iran. Email: e.nematollahi@qom.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received April 14, 2022

Revised February 08, 2023

Accepted April 25, 2023

Published online 26 June 2023

Keywords:

breach of contract,

legitimate expectation,

legitimate reliance,

principle of full compensation.

ABSTRACT

Damages for breach of contract may pursue one of the two purposes: to place the injured party in a position that he expected to from performance of the contract, or to place him or her in a position that he was in before the contract was entered into. In some decisions of Iranian courts, the purpose of damages for breach of contract is to place the injured party in a position he would have after the performance of the contract, but to achieve this goal, various principles such as the principle of full compensation and legitimate reliance and expectation have been resorted. This article, after mentioning and categorizing some decisions, seeks to explain that resorting to these principles is not immune to criticism and the necessary mechanisms to invoke them have not yet been developed in our country. Instead, two traditional principles of *etlaaf* (direct destruction) and *tasbib* (indirect destruction), with some qualifications, could be used in this regard.

Cite this article: Nematollahi, E. (2022-23). Purposes and Bases of Damages for Breach of Contract with Emphasis on Judicial Decisions. *Private Law*.19 (2), 401-414. Doi: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.341617.1007091>



© Esmail Nematollahi. **Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.341617.1007091>



انتشارات دانشگاه تهران

حقوق خصوصی

شاپا الکترونیکی: ۶۲۰۹-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jolt.ut.ac.ir>

اهداف و مبانی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد با تأکید بر آرای قضایی

اسماعیل نعمت‌اللهی

گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: e.nematollahi@qom.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

یکی از مسائل مهمی که در حوزه مسئولیت مدنی قراردادی مطرح می‌شود تعیین مقدار خسارت در مواردی است که مقررۀ قراردادی یا قانونی در مورد تعیین مقدار خسارت وجود ندارد. در این‌گونه موارد می‌توان با توجه به هدف از پرداخت خسارت و مبانی آن تا حد زیادی مسئله مقدار خسارت را حل و فصل کرد. پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد ممکن است درصدد قرار دادن زیان دیده در وضعیت پیش از قرارداد یا وضعیت فرضی وی پس از اجرای قرارداد باشد. در برخی از آرای قضایی کشورمان هدف از پرداخت خسارت قرار دادن زیان دیده در وضعیت پس از اجرای قرارداد معرفی شده است و برای تحصیل این هدف به مبانی مختلفی مانند اصل جبران کامل خسارت استناد شده است. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و با مراجعه به آرای قضایی و دسته‌بندی و بررسی آن‌ها درصدد تبیین این مطلب است که توسل به این مبانی نوین مصون از انتقاد نیست. در عوض، دو مبانی فقهی اطلاق و تسبیب می‌توانند در این زمینه مورد استناد واقع شوند.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

کلیدواژه:

اصل جبران کامل خسارت،

اعتماد مشروع،

انتظار مشروع،

نقض قرارداد.

استناد: نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۴۰۱). اهداف و مبانی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد با تأکید بر آرای قضایی. حقوق خصوصی، ۱۹ (۳) ۴۰۱-۴۱۴.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.341617.1007091>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© اسماعیل نعمت‌اللهی.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2023.341617.1007091>



مقدمه

توضیح مسئله و اهمیت آن. قرارداد در بسیاری از موارد با اجرای مفاد آن به سرانجام می‌رسد و دعوایی از آن ناشی نمی‌شود. بالعکس، در مواردی، که تعداد آن‌ها نیز متأسفانه کم نیست، قرارداد با نقض یکی از طرفین مواجه می‌شود و از لحاظ حقوقی مسئولیت مدنی قراردادی را مطرح می‌کند. یکی از مسائل مهم و دشوار در حوزه این نوع مسئولیت، که دادگاه‌ها به طور معمول با آن روبه‌رو می‌شوند، تعیین مقدار و مصادیق خسارت است. بدیهی است این مسئله هنگامی مطرح می‌شود که ابتدا شرایط و ارکان مسئولیت قراردادی احراز و طرف ناقض و مسئول جبران خسارت تعیین شده باشد. چنانچه در قرارداد سازوکار تعیین مقدار خسارت در صورت نقض قرارداد پیش‌بینی شده باشد، تعیین مقدار خسارت قاعداً مشکل زیادی ندارد و دادگاه به طور معمول در قرارداد طرفین مداخله نمی‌کند (ماده ۲۳۰ ق.م.ا). این نوع خسارت، که عنوانی مانند وجه التزام دارد، از قلمرو این تحقیق خارج است. همچنین، در صورتی که مقرره خاصی در مورد مقدار خسارت وجود داشته باشد، مانند خسارت تأخیر تأدیه، دادگاه بر اساس آن میزان خسارت را تعیین می‌کند و در اینجا نیز دادگاه با مشکل چندانی مواجه نمی‌شود. دشواری هنگامی پدید می‌آید که مقرره قراردادی یا قانونی در مورد تعیین مقدار خسارت وجود نداشته باشد. در این صورت، یکی از ابزارهایی که دادگاه می‌تواند با توسل به آن مقدار خسارت را تعیین کند توجه به هدف از پرداخت خسارت و مبانی آن است.

خسارت‌های ناشی از نقض قرارداد انواع متعددی دارد. دو نوع آن، که به خسارت جبرانی^۱ معروف‌اند، دو هدف متعارض را دنبال می‌کنند: جبران زیان متعهدله به گونه‌ای که وضعیت مالی وی به وضعیتی که پیش از قرارداد داشته است بازگردد و جبران زیان متعهدله به گونه‌ای که وی را در آن وضعیت مالی قرار دهد که اگر قرارداد اجرا شده بود در آن وضعیت قرار می‌گرفت (Saidov, 2008: 32). هدف اول از منفعت منفی^۲ یا اعتماد^۳ زیان‌دیده و هدف دوم از منفعت مثبت^۴ یا انتظار^۵ وی حمایت می‌کند.

نوع دیگر خسارت ناشی از نقض قرارداد خسارت تنبیهی^۶ یا عبرت‌آموز^۷ است. این نوع خسارت همان‌طور که از نامش پیداست به منظور تنبیه و مجازات طرف ناقض و عبرت دادن به دیگران اعطا می‌شود و هدف جبران‌کنندگی ندارد. از این رو، ممکن است مستقلاً یا علاوه بر خسارت‌های جبرانی مورد حکم قرار گیرد. این در حالی است که دو نوع اول خسارت (انتظار و اعتماد) جنبه جبرانی یا ترمیمی دارند و درصدد ترمیم وضعیت طرف زیان‌دیده و جبران زیان وی هستند. دوگانه خسارت اعتماد و انتظار یک تقسیم منطقی است. زیرا وضعیت زیان‌دیده یا باید به وضعیت واقعی قبل از انعقاد قرارداد برگردد یا به وضعیت فرضی بعد از اجرای قرارداد. بدین ترتیب، بررسی خسارت تنبیهی از قلمرو این تحقیق خارج است. علاوه بر آن، تا آنجا که ملاحظه شد، این نوع خسارت در دعوی مربوط به نقض قرارداد مورد توجه دادگاه‌ها قرار نگرفته است. البته همان‌طور که برخی از پژوهشگران (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۵ - ۱۶۷) متذکر شده‌اند، نهادهایی مشابه با خسارت تنبیهی، مانند وجه التزام، وجود دارد. اما این نهادها تفاوت‌های اساسی با خسارت تنبیهی دارند و نمی‌توان آن‌ها را با خسارت تنبیهی یکسان پنداشت.

سؤال و فرضیه تحقیق. این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال است که هدف و مبانی خسارت ناشی از نقض قرارداد در حقوق ایران چیست و دادگاه‌های کشورمان در این باره چه موضعی اتخاذ کرده‌اند؟ به طور جزئی‌تر، پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد در آرای قضایی کشورمان معطوف به اعاده زیان‌دیده به وضع سابق است یا معطوف به قرار دادن وی در وضعیت مورد نظر در صورت اجرای قرارداد؟ فرضیه این تحقیق این است که با توجه به تسلط مفهوم ضمان قهری در حقوق کشورمان و تصریح به اتلاف و تسبیب در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی هدف از پرداخت خسارت بازگرداندن زیان‌دیده به وضع پیش از قرارداد است؛ با این حال، با توجه به برخی از مصادیق خسارت قابل مطالبه در حقوق کشورمان، مانند ارش و اجرت‌المثل و محرومیت از منافع قطعی‌الحصول، پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد می‌تواند هدف دوم را نیز تعقیب کند.

1. compensatory damages
2. negative interest
3. reliance
4. positive interest
5. expectation
6. punitive damages
7. exemplary damages

پیشینه و نوآوری تحقیق. در خصوص این موضوع اثر مستقلی جز یک مقاله (نعمت‌اللهی، ۱۴۰۰: ۳۷۰) که به بررسی هدف از پرداخت خسارت به صورت تطبیقی پرداخته ملاحظه نمی‌شود. در مقاله یادشده بحثی درباره هدف از پرداخت خسارت در آرای قضایی کشورمان دیده نمی‌شود. از این رو، جای چنین بحثی در مباحث حقوقی کشورمان خالی است. این بررسی هم از لحاظ نظری هم از لحاظ عملی سودمند است. از لحاظ نظری روشن می‌کند که قضات کشورمان از پرداخت خسارت چه هدفی را دنبال می‌کنند و این هدف تا چه اندازه با موضع قضات کامن لایی سازگار است و از لحاظ عملی نیز شناسایی هدف از پرداخت خسارت سهم زیادی در تعیین نوع خسارت قابل جبران و مقدار آن دارد.

برای یافتن آرای مرتبط با این تحقیق مراجعه به بسیاری از آثاری که حقوقدانان یا قضات به منظور جمع‌آوری و بررسی آرای قضایی نگاشته‌اند نتیجه‌ای در بر نداشت و ذکر فهرستی از این آثار فایده چندانی ندارد. با این حال، خوشبختانه «سامانه ملی آرای قضایی»^۱ قوه قضاییه^۱ منبع بسیار مناسبی برای یافتن آرا است و برای این تحقیق، علاوه بر مراجعه به این سامانه و بررسی صدها رأی، برخی از آرا از راه‌های دیگر نیز به دست آمد.

آرای مرتبط با این موضوع بر اساس اهمیت و درجه ارتباط در سه دسته جای داده شد: آرای که به صراحت هدف از پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد را تعیین کرده‌اند، آرای که در آن‌ها مبنای پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد تعیین شده است و از راه شناسایی مبنای پرداخت خسارت می‌توان به هدف از پرداخت خسارت پی برد، و آرای که در آن‌ها مصادیق خسارت ناشی از قرارداد ذکر شده است. همین دسته‌بندی تا حدودی ما را از بررسی ماهوی آرای بی‌نیاز می‌کند؛ با این حال در موارد مناسب نکاتی تحلیلی در ذیل آرا اضافه شده است.

بنابراین، در ادامه ابتدا نمونه‌ای از آرای قضایی کشورمان با دسته‌بندی یادشده ارائه می‌شود. سپس و به این مناسبت که در برخی از آرا به مبنای پرداخت خسارت اشاره یا تصریح شده است و نیز به لحاظ ارتباط وثیقی که مبنای پرداخت خسارت با هدف از پرداخت خسارت دارد مبنای پرداخت خسارت به صورت مستقل بررسی شده است و در پایان نتیجه‌ای از مباحث ارائه شده است.

نمونه‌هایی از آرای قضایی

آرای قضایی کشورمان را می‌توان با توجه به اهمیت که برای این تحقیق دارد به سه دسته تقسیم کرد: ۱. آرای که در آن‌ها هدف از پرداخت خسارت به صراحت بیان شده است؛ ۲. آرای که در آن‌ها مبنای خسارت معرفی شده است؛ ۳. آرای که در آن‌ها مصادیق خسارت تعیین شده است.

تصریح به هدف از پرداخت خسارت

در برخی آرا، هدف از جبران خسارت قرار دادن زیان دیده در وضعیت مطلوب پس از اجرای قرارداد اعلام شده است: - در یک رأی مربوط به دعوی با خواسته «مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد» تصریح شده است: «جبران خسارت صرفاً به این معنی نیست که طرف متضرر را در همان وضعیت هنگام انعقاد قرارداد قرار دهیم بلکه مهم این است که توجه داشته باشیم که اگر قرارداد اجرا می‌باشد [می‌شد] متعهدله با توجه به مقتضیات عرفی در چه وضعیت مطلوبی قرار می‌گرفت.» (پرونده کلاسه ۸۶۰۹۹۸۰۲۲۸۷۰۱۳۶۹ شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران، دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۸۷۰۰۷۴۰).

- در رأی صادره از شعبه ۶۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران نیز آمده است: «ناقض قرارداد در مسئولیت قراردادی مکلف است زیان دیده را در وضعی قرار دهد که اگر قرارداد اجرا می‌شد در آن موقعیت قرار [می‌گرفت].» (شماره پرونده: ۹۳۰۹۹۸۲۸۸۵۳۰۱۰۷۶، شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۲۱۳۰۷۰۰۲۸۱، مورخ: ۱۳۹۴/۰۳/۲۷).

چنین آرای که اولاً هدف از جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد را به صراحت بیان کرده و ثانیاً هدف از آن را قرار دادن زیان دیده در وضعیتی دانسته که در صورت اجرای قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت، میان آرای قضایی کشورمان، بسیار نادر است. با این حال، نکته مهم این است که قضات کشورمان نمی‌توانند به همه آثار و لوازم این هدف پایبند باشند. زیرا برخی از

1. <https://ara.jri.ac.ir/>

اقدام خسارت، مانند منافع احتمالی و ممکن‌الاحصولی که خواهان از قرارداد انتظار داشته و به دلیل نقض قرارداد توسط خواننده از آن‌ها محروم شده است، در حقوق کشورمان قابل مطالبه نیست.

تصریح به مبانی خسارت

در برخی آرا مبانی خسارت تعیین شده است و از راه مبنا می‌توان تا حدود زیادی به هدف از پرداخت خسارت پی برد. این مبانی را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

– تصریح به اصل جبران کامل خسارات

در دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۸۷۰۰۷۴۰، که در دسته اول این بحث یاد شد، علاوه بر تصریح به هدف خسارت، به اصل جبران کامل خسارت نیز استناد شده است: «این دادگاه توجه دارد که مجموعه قواعد و مقرراتی که در مورد مسئولیت مدنی وجود دارد همچنین دکترین موجود [و] قواعد فقهی جملگی در مسیری حرکت می‌کنند که علاقه به جبران کامل خسارات وارد شده دارند». باید یادآور شد که اصل جبران کامل خسارت^۱ یک اصل رومی-ژرمنی است (Saidov, 2008: 26) که بر اساس آن عامل ورود زیان باید زیان وارد به طرف زیان‌دیده و منفعت فوت‌شده از وی را جبران کند. یکی از نمونه‌های بارز این اصل ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی فرانسه^۲ است. خسارت طبق این اصل متشکل از دو رکن «زیان وارده» و «منفعت فوت‌شده» است. ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸^۳ نیز انعکاسی از همین اصل بود. امروزه با توجه به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی ۱۳۷۹، که با تفسیر گفته‌شده عدم‌النفع ناشی از نقض قرارداد را قابل مطالبه نمی‌داند، نمی‌توان وجود این اصل را در حقوق کشورمان تصدیق کرد.^۴ البته در خصوص این مطلب باید دو نکته را در نظر داشت: ۱. فقدان این اصل تا جایی است که به عدم‌النفع مربوط می‌شود. بنابراین، در وجود این اصل تا جایی که به تلف مال مربوط می‌شود تردیدی نیست؛ ۲. عدم‌النفع درج‌شده در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ را باید بر معنای مضیق و اخص حمل کرد و آن را صرفاً به معنای «خسارت محروم ماندن از نفعی دانست که در صورت اجرای تعهد قراردادی از عمل مورد تعهد نصیب متعهدله می‌گردید» (شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۷). بنابراین، عدم‌النفع ناشی از منفعت عین معین یا شخص معین (مانند اجیر در اجاره خاص) مشمول عنوان اجرت‌المثل در متن ماده ۵۱۵ قانون یادشده و قابل مطالبه است (← شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۶ - ۲۵۸).

– تصریح به انتظار و اعتماد مشروع

برخی آرا برای جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد به دو مفهوم «اعتماد مشروع» و «انتظار مشروع و متعارف» تصریح کرده‌اند. اعتماد مشروع. در یک دعوی راجع به خسارت ناشی از ارسال کالای تقلبی آمده است: «خواننده به عنوان دلال و معرف فروشنده (طرف چینی) ایفای نقش نموده و خواهان به اتکای اعتماد به شخصیت خواننده معامله ثمن را پرداخت کرده است و در شرایط فعلی حاکم بر کشور، که گشایش اعتبار اسنادی به لحاظ تحریم وجود ندارد، یکی از روش‌های معمول استفاده از شخص ثالث مورد اعتماد طرفین معامله است. بنابراین، حتی در فرضی که دلال ضمانت اجرای معامله را ننموده است مسئول خساراتی که از رهگذر این اعتماد مشروع وارد شده خواهد بود.» (پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۰۲۲۹۵۰۰۰۷، شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران، دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۹۵۰۰۷۸۲، ۹۱/۵/۱۳۹۱).

انتظار مشروع و متعارف. در دعوی راجع به مطالبه خسارت وارده به اموال و ملک خواهان در اثر وجود نقص فنی در مبیع، شعبه سوم دادگاه عمومی کهریزک با این استدلال که «... شرط بنائی وجود دارد که بر اساس آن عرضه‌کننده سلامت و انطباق کالا را با انتظار مشروع و متعارف مصرف‌کننده تضمین کرده و به نوعی تعهد ایمنی به سود خریدار ایجاد گردیده است.» خواننده

1. principle of full compensation (restitutio in integrum)

۲. خسارتی که باید به طلبکار پرداخت شود، قاعدتاً عبارت است از زبانی که وی متحمل شده و نفعی که از آن محروم شده است.

۳. ماده ۷۲۸: «... ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که انجام تعهد حاصل می‌شده است.»

۴. برخی از حقوقدانان نیز در مقام بررسی اصل جبران کامل زیان در حقوق مسئولیت مدنی، پس از بررسی قوانین مختلف کشورمان، در نهایت اذعان کرده‌اند که اصل جبران کامل زیان به معنای دقیق خود در حقوق ایران شناخته نشده است (قسمتی تبری، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

را به پرداخت خسارت محکوم کرده است (دادنامه شماره ۰۰۴۶۶-۹۲/۱۲/۲۴). شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور دادنامه فرجام خواسته را ابرام کرده است (دادنامه شماره: ۳۰۹۹۷۰۹۰۸۵۰۰۲۹۸، تاریخ: ۱۳۹۳/۰۷/۲۹).

بررسی دو مبنای انتظار و اعتماد. انتظار و اعتماد از مفاهیمی است که از حقوق غرب به مباحث حقوقی کشورمان راه یافته است. در بحث از چگونگی ارزیابی و تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، اعتماد و انتظار به صورت جداگانه و به عنوان دو مبنای متفاوت و احیاناً متقابل برای ارزیابی^۱ خسارت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در اینجا برای سهولت و قابلیت استناد صرفاً به یک متن مربوط به حقوق خصوصی در اروپا یعنی «اصول، تعاریف، و قواعد نمونه حقوق خصوصی اروپا، چارچوب مشترک ارجاع (دی‌سی‌اف‌آر)»^۲ توجه می‌شود.

الف) معیار انتظار. بر اساس ماده ۳:۷۰۲ از کتاب سوم دی‌سی‌اف‌آر: «مقدار خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی به طور معمول مبلغی است که زیان دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر آن تعهد اجرا می‌شد در آن وضعیت قرار می‌گرفت. این خسارت شامل زبانی است که طرف زیان دیده متحمل شده و نفعی است که وی از آن محروم گردیده است». بخش اول این مقرر در واقع معیار کامن لایی خسارت انتظار را بیان می‌کند و بخش دوم آن، که شامل دو مصداق زیان وارده^۳ و نفع از دست‌رفته^۴ است، با معیار رومی-ژرمنی اصل جبران کامل خسارت سازگار است. در واقع این مقرر هر دو مبنای کامن لایی و رومی-ژرمنی را با هم جمع کرده است (von Bar et al., 2009: 942).

کارکرد این معیار را می‌توان با بیان یک نمونه فرضی روشن کرد: شخص «الف» خودرویی را به قیمت ۵ هزار یورو به شخص «ب» می‌فروشد و تضمین می‌کند که خودرو از مدل خاصی است. سپس معلوم می‌شود که خودرو از مدلی پایین‌تر است که ارزش بازاری آن ۳۵۰۰ یورو است. در محاسبه خسارت خریدار، ثمن معامله دخالتی ندارد. خریدار به عنوان خسارت مستحق مابه‌التفاوت بین ارزش خودروی تضمین‌شده (۵ هزار یورو) و ارزش خودروی فعلی (۳۵۰۰ یورو) است (von Bar et al., 2009: 942).

ب) معیار اعتماد. همان‌طور که گفته شد، معیار معمولی خسارت ناشی از نقض قرارداد خسارت انتظار است. اما اعتماد نیز می‌تواند به عنوان معیاری جایگزین مورد استفاده قرار گیرد.^۵ بر اساس سند دی‌سی‌اف‌آر،^۶ توسل به معیار اعتماد در صورتی ممکن است که در این سند به آن تصریح شده باشد. مثلاً، یکی از موارد استناد به اعتماد مشروع در بحث تشکیل قرارداد و مربوط به حمایت از طرفی است که به‌اشتباه به ظاهر رفتار طرف دیگر اعتماد کرده است. اثر این نوع اعتماد در بحث خسارات ظاهر می‌شود: با اینکه معیار معمولی محاسبه خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی انتظار طرف زیان دیده و در نتیجه قرار دادن وی در وضعیت پس از اجرای قرارداد است، ضمانت اجرای اعتماد یادشده بازگرداندن زیان دیده به وضعیت پیش از انعقاد قرارداد است. در واقع، در مورد زیان ناشی از این نوع اعتماد، خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی صدق نمی‌کند، بلکه خسارت ناشی از نقض تعهدات دیگری، مانند تعهد به اعمال حسن نیت^۷ و انجام معامله منصفانه^۸، صادق است. یکی از موارد این نوع اعتماد در جایی است که یک طرف با اعتماد متعارف به اطلاعات نادرستی که طرف دیگر در جریان مذاکرات ارائه کرده معامله را منعقد می‌کند. در اینجا هدف از پرداخت خسارت این نیست که طرف زیان دیده را در وضعیتی قرار دهد که اگر اطلاعات صحیح بود در آن وضعیت قرار می‌گرفت، بلکه قرار دادن وی در وضعیتی است که پیش از انعقاد معامله داشته است (von Bar et al., 2009: 942).

1. measure

2. principles, definitions and model rules of european private law; draft common frame of reference (DCFR)

3. damnum emergens (Lat.)

4. lucrum cessans (Lat.)

۵. باید توجه داشت که اصطلاح «اعتماد» کاربردهای متعددی دارد. یک نمونه آن، که به بحث ما مربوط نمی‌شود، کاربرد آن به عنوان مبنای التزام به قرارداد است (در این مورد ← عبدی‌پورفرد و پرهیزگار، ۱۳۹۴: ۸۲ به بعد).

۶. دی‌سی‌اف‌آر (DCFR) با نام کامل «پیش‌نویس چارچوب مشترک مرجع» (draft common frame of reference) سندی علمی و محصول دو گروه مطالعاتی اروپایی است: گروه مطالعات بر روی قانون مدنی اروپا (The Study Group on a European Civil Code) و گروه تحقیقات بر روی حقوق خصوصی اتحادیه اروپا (Research Group on EC Private Law The Acquis Group). سند یادشده که در دسامبر ۲۰۰۷ منتشر شد تلاشی برای تدوین حقوق خصوصی اروپا است و شامل حوزه‌های حقوق خصوصی از جمله حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی است. این سند هنوز قدرت اجرایی نیافته است؛ اما از ارزش علمی بسیار زیادی نزد حقوقدانان و پژوهشگران برخوردار است و منبع بسیار سودمندی برای بررسی حقوق خصوصی اروپاست.

7. good faith

8. fair dealing

توضیح بیشتر اینکه بر اساس معیار معمولی نقض قرارداد، یعنی خسارت انتظار، طرف زیان‌دیده در این مورد حق داشت مابه‌التفاوت بین ارزش آنچه را دریافت کرده و آنچه را بر فرض درستی اطلاعات دریافت می‌کرد مطالبه کند. اما، در وضع فعلی، وی مستحق مابه‌التفاوت بین ارزش آنچه دریافت کرده و مبلغ پرداختی است. فرض کنیم شخص «الف» خودروی دست‌دومی به شخص «ب» می‌فروشد و به وی اعلام می‌کند که خودرو فقط ۵۰ هزار کیلومتر کار کرده است. شخص «ب» ۱۰۰ هزار یورو برای خودرو پرداخت می‌کند. اما قیمت بازاری چنین خودرویی ۱۰۵ هزار یورو است. سپس معلوم می‌شود خودرو ۱۵۰ هزار کیلومتر کار کرده است و ارزش آن ۸۵ هزار یورو است. بر فرض که اعلام کارکرد خودرو یک تعهد قراردادی نبوده است، شخص «ب» می‌تواند مابه‌التفاوت بین ارزش آنچه را دریافت کرده (خودرو ۸۵ هزار یورویی) و مبلغ پرداختی (۱۰۰ هزار یورو)، یعنی ۱۵ هزار یورو، را دریافت کند؛ درحالی‌که اگر اعلام کارکرد خودرو یک تعهد قراردادی می‌بود و نقض آن نقض تعهد قراردادی محسوب می‌شد شخص «ب» بر اساس معیار معمولی نقض قرارداد حق داشت ۲۰ هزار یورو مطالبه کند، یعنی مابه‌التفاوت ارزش آنچه را دریافت کرده (خودروی ۸۵ هزار یورویی) و آنچه را بر فرض درستی اطلاعات دریافت می‌کرد (خودرو ۱۰۵ هزار یورویی) (von Bar et al., 2009: 515). نکتهٔ یادشده اختصاص به اعتماد بر اظهار نادرست ندارد، بلکه به طور کلی در مواردی که شخص بر اساس اشتباه، فریب، اکراه، تهدید، یا بهره‌برداری غیر منصفانه^۱ قرارداد را منعقد می‌کند باید تا جای ممکن در وضعیتی قرار داده شود که قبل از انعقاد قرارداد داشته است (von Bar et al., 2009: 942).

نکتهٔ مهمی که در مورد این اصطلاحات باید یادآور شد این است که از لحاظ حقوق کشورمان صرف متعارف بودن هدف، منفعت، اعتماد، یا انتظار یک طرف یا طرفین قرارداد موجب نمی‌شود که بتوان برای تأمین آن‌ها ضمانت اجرای حقوقی در نظر گرفت. تأمین این امور از لحاظ حقوقی هنگامی ممکن است که یا در قانون از آن‌ها حمایت شده باشد یا در زمرهٔ تعهدات قراردادی طرفین آمده باشد. هدف، منفعت، اعتماد، و انتظار یک طرف در صورتی (و تا جایی) مورد حمایت قانون است که در حیطهٔ تعهد طرف دیگر قرار گرفته باشد. به گفتهٔ حقوقدانان برجستهٔ کشورمان «در تمیز کیفیت اجرای قرارداد، معیار التزام طرف قرارداد است نه انتظار طلبکار (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۴۶). هدف یک طرف در صورتی که قید یا شرط قراردادی نباشد نهایتاً در زمرهٔ دواعی و اغراض است و از لحاظ فقهی^۲ فاقد ضمانت اجرا است.

— تصریح به اتلاف و تسبیب به عنوان مبنای خسارت

مادهٔ ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ اتلاف و تسبیب را مبنای خسارت شمرده است: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثبات دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خوانده مطالبه نماید». در واقع، یکی از تفاوت‌های مهم مادهٔ ۵۱۵ یادشده با مادهٔ ۷۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ تصریح به مبنای خسارت در مادهٔ ۵۱۵ قانون آ.د.م. ۱۳۷۹ است. تصریح به مبنای حکم در یک مقررۀ قانونی اقدامی نامتعارف است. اما از این جهت که راهنمای قاضی برای هدف از وضع مقررۀ و تشخیص مصادیق موضوع آن است اقدامی پسندیده است.

با توجه به آنچه آمد، در برخی از آرای قضایی به مبنای سنتی و شناخته‌شدهٔ اتلاف و تسبیب تصریح شده است:

— در رأی صادره از شعبهٔ ۱۸۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران (دادنامهٔ شمارهٔ ۱۳۱۳، مورخ: ۱۳۹۲/۱۱/۰۷)، اجرت‌المثل منفعت یک مغازه به عنوان «عدم النفع» توصیف و تجدیدنظرخواه از این نظر محکوم به بی‌حقی شده است. شعبهٔ ۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران در تجدید نظر از این رأی توصیف یادشده را رد کرده و تجدیدنظرخوانده را از باب «اتلاف منفعت» به پرداخت «اجرت‌المثل منافع تلف‌شده ناشی از تخریب مورد اجاره» محکوم کرده است (دادنامهٔ شمارهٔ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۹۶۸، مورخ: ۱۳۹۳/۰۹/۲۷).

1. unfair exploitation

۲. «و یضعف بمنع کون الوصف المذكور عنواناً، بل لیس إلاً من قبیل الداعی الذی لا یوجب تخلفه شیئاً» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۵۹؛ همچنین ← موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ۷۸ - ۷۹).

– شعبه ۱۴۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۳ مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از مآثرک متوفی به دلیل چک‌هایی که مورث خواندگان صادر کرده و برگشت خورده را رد کرده است. در بخشی از استدلال دادگاه آمده است: «مطالبه خسارت [تأخیر] تأدیه به لحاظ تسبیب و اتلاف می‌باشد و با فوت صادرکننده چک اتلاف و تسبیب موضوعاً منتفی می‌باشد». شعبه ۳۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران تجدید نظر از این رأی را وارد ندانسته است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۳۳۱۰۰۴۲۸، مورخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۶).

اطلاق واژه تعهد در ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ هر نوع تعهدی اعم از قراردادی و غیر قراردادی را در بر می‌گیرد و در واقع این مقررہ نقض تعهد قراردادی و غیر قراردادی را دست‌کم در برخی از آثاری که خواهیم گفت تابع رژیم واحدی از مسئولیت می‌سازد. به تعبیر دیگر، با این مقررہ رژیم مسئولیت مدنی (اعم از قراردادی و غیر قراردادی) از لحاظ حقوقی به رژیم فقهی ضمان و مسئولیت نزدیک می‌شود که در آن نقض قرارداد از اسباب ضمان به شمار نمی‌آید (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۴۷۲ – ۴۱۵) و به‌تنهایی موجب مسئولیت نیست. از این رو، با توجه به ماده ۵۱۵ یادشده، نقض تعهدات قراردادی تا جایی دارای ضمانت اجرای حقوقی است که مشمول عنوان اتلاف یا تسبیب شود. بنابراین، اگر فعل یا ترک فعل ناقض قرارداد مشمول یکی از دو عنوان اتلاف یا تسبیب نباشد، نقض قرارداد موجب مسئولیت نیست.

با این حال، در برخی از آرای قضایی به‌ظاهر خلاف این مطلب آمده است. توضیح اینکه شعبه ۱۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۷۷۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۳۰ دعوایی با خواسته «صدور حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت خسارت عدم تحویل مبیع» را رد کرده است. استدلال دادگاه این است که «مطالبه خسارت وفق ماده ۲۲۱ قانون مدنی فرع بر تصریح آن در قرارداد بوده و در قرارداد مستند دعوی نیز مطالبه خسارت در شرایط ما نحن فیه قید نشده است».

این رأی در شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران رد شده است. در بخشی از استدلال دادگاه تجدید نظر آمده است: «عدم انجام تعهد قانوناً موجب ضمان می‌باشد و با لحاظ تاریخ تحویل مندرج در قرارداد و منقضی شدن تاریخ موصوف مطابق مقررات ماده ۲۲۶ قانون مدنی متعهده می‌تواند ادعای خسارت نموده و در این فرض مطالبه خسارت فرع بر تصریح در قرارداد نبوده و دعوای خواهان به نحو صحیح و مطابق مقررات قانونی اقامه شده» است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۳۱۰۰۱۱۹۰، مورخ: ۱۳۹۲/۰۹/۰۳).

اعتماد به ظاهر این سخن که «عدم انجام تعهد قانوناً موجب ضمان می‌باشد» گمراه‌کننده است. عدم عمل به تعهد یکی از شروط ضمان و مسئولیت قراردادی است و نقض قرارداد فی‌نفسه موجب ضمان نیست.^۱ سخن یادشده هنگامی معنای درستی می‌یابد که با استدلال دادگاه نخستین مقایسه شود. دادگاه نخستین ضمان طرف ناقض را منوط به تصریح به لزوم جبران خسارت در قرارداد دانسته است. در پاسخ به این استدلال، شعبه تجدید نظر به‌درستی استدلال کرده است که در دعوای مورد نظر نقض قرارداد همراه با تأخیر متعهد در تسلیم مبیع موجب ضمان طرف ناقض است.

تصریح به اتلاف و تسبیب به عنوان مبنای مسئولیت ناشی از نقض تعهدات در ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. و برخی از آرای قضایی آثار و تبعات گسترده‌ای دارد که پذیرش همه آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. چون موجب خلط و به‌هم‌آمیختگی مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری می‌شود. برخی از این آثار و تبعات در ادامه خلاصه می‌شوند:

هدف از جبران خسارت. تردیدی نیست که اتلاف و تسبیب از مبنای فقهی (← کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۴۵ – ۱۵۱) و حقوقی (مواد ۳۲۸–۳۳۵ قانون مدنی) مسئولیت مدنی است و همان‌طور که حقوقدان برجسته کشورمان تصریح کرده است «هدف از ایجاد مسئولیت مدنی این است که زیان به طور کامل جبران شود و زیان‌دیده وضع پیشین را بازیابد» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۳۴). بنابراین، با توجه به مقررہ یادشده، هدف از جبران خسارت، اعم از قراردادی و غیر قراردادی، بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیت قبل از تحقق زیان خواهد بود.

۱. در برخی از نظام‌های کامن لای می‌تواند اگر نقض قرارداد موجب زیان متعهده نشده باشد، دادگاه ممکن است طرف ناقض را محکوم به پرداخت مبلغ ناچیزی (معمولاً یک دلار یا یک پوند) با عنوان خسارت نمادین یا اسمی (nominal damages) کند (McKendrick, 2012: 813).

خسارت قابل مطالبه. خسارت در زمینه ضررهایی قابل مطالبه است که تحقق عنوان اتلاف یا تسبیب نسبت به آنها امکان‌پذیر باشد. از این رو، با توجه به نظرات مشهور فقهی (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۵)، حتی اگر تصریح به قابل مطالبه نبودن عدم‌النفع در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ نبود، باز هم ممکن بود از این ماده قابل مطالبه نبودن عدم‌النفع استفاده شود. اما با توضیحی که خواهد آمد «عدم‌النفع» در این ماده را باید بر معنای محرومیت از منافع احتمالی حمل کرد. برعکس، اجرت‌المثل مربوط به مال یا عمل معین را می‌توان از باب اتلاف قابل مطالبه دانست.

میزان خسارت و شیوه جبران. جبران خسارت در مسئولیت مدنی ممکن است از طریق برگرداندن وضع زیان‌دیده به صورت پیشین یا از راه دادن معادل صورت گیرد. جبران خسارت در شیوه اول به صورت کامل‌تر انجام می‌گیرد و از این رو عامل ورود زیان نمی‌تواند از شیوه اول به شیوه دوم عدول کند. اما با توجه به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی^۱ تعیین مقدار خسارت و شیوه جبران آن با دادگاه است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۳۴ - ۵۳۵).

با این حال، چند نکته مهم را باید یادآور شد:

۱. ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. را می‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که مصادیق زیادی از خسارت‌ها را شامل شود. مثلاً، از بین رفتن منفعت راجع به عین معین یا شخص معین می‌تواند مشمول عنوان اتلاف مال و نیز اجرت‌المثل مقرر در ماده یادشده شود. از این گذشته، تلف مال نیز منحصر به از بین رفتن مال به صورت مادی و عینی نیست، بلکه، مثلاً، اگر در نتیجه تأخیر متعهد در نصب تأسیسات دستگاه حرارتی متعهدله مجبور شود که مبالغی برای تأمین حرارت لازم هزینه کند بر خسارتی که متعهدله در نتیجه هزینه کردن این مبالغ متحمل شده «تلف مال» صدق می‌کند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۶۹).

۲. با اینکه اتلاف و تسبیب از اسباب ضمان قهری هستند و هدف از جبران خسارت در ضمان قهری و مسئولیت مدنی بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی است که قبل از وقوع زیان داشته است، با توجه به اصل لزوم اجرای قراردادها و اینکه اولین شیوه جبران نقض قرارداد در حقوق ما الزام به اجرای تعهد است، بسیاری از اهداف مالی که در کشورهای کامن لایی با پرداخت خسارت تحقق می‌یابد، در حقوق ما با الزام به اجرای عین تعهد قابل دستیابی است. نمونه‌هایی از آرای مرتبط به این نکته در مقدمه آورده شد.

۳. استناد به قاعده اتلاف از جهتی دیگر نیز می‌تواند هدف متعهدله از اجرای قرارداد را تأمین کند. توضیح اینکه در مواردی که متعهدله در اثر نقض قرارداد از عین یا منفعت مالی محروم می‌شود، نتیجه تمسک به قواعد ضمان قهری بازگرداندن زیان‌دیده به حالت قبل از تحمل زیان است و این کار با پرداخت بدل (اعم از مثل یا قیمت) صورت می‌گیرد. چون در ضمان قهری نیز هدف نهایی این است که، به تعبیر یکی از حقوقدانان، «وضع زیان‌دیده از مناسب‌ترین راه به حال نخستین بازگردد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۳۹).

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد، از بین مبانی یادشده برای جبران خسارت، اتلاف و تسبیب مطمئن‌ترین مبانی‌ای هستند که می‌توان به آنها استناد کرد.

تعیین مصادیق خسارت در آرای قضایی

بررسی آرای که در آنها به هدف یا مبنای پرداخت خسارت توجه شده است کافی به نظر نمی‌رسد. باید دید در عمل و در مقام پرداخت خسارت چه اقلام و مصادیقی به عنوان خسارت قابل پرداخت تعیین شده است. بسیاری از آرا، بدون بیان هدف یا مبنای خسارت، صرفاً به تعیین مصادیق خسارت قابل مطالبه پرداخته‌اند. مصادیق خسارت بسیار متعدّدند و از بین آنها دو مورد که به تشخیص هدف از جبران خسارت کمک می‌کنند و برای بحث ما سودمند هستند بیان می‌شود.

ارش. شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۱۰۶۴ مورخ ۹۱/۱۱/۲۸، پس از محکوم کردن خواننده به پرداخت مبلغی به عنوان ارش، دعوای خواهان نسبت به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را رد و اعلام کرده است: «با عنایت به اینکه مطالبه خسارت تأخیر نسبت به ارش که خود نوعی خسارت بوده و دین نمی‌باشد فاقد وجاهت قانونی است؛ چراکه به استناد ماده

۱. ماده ۳: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد».

۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خسارت تأخیر تأدیه صرفاً به دین تعلق می‌گیرد». این رأی در شعبه ۵۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شده است (دادنامه شماره ۰۱۱۰۲۶۹۴۰۰۹۹۷۰۹۲، مورخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۶).

از لحاظ حقوقی، ماهیت ارش و اینکه جزئی از ثمن است که به طرف زیان‌دیده (خریدار) مسترد می‌شود یا اینکه جنبه خسارت دارد اختلاف نظر است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۶۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۶۴ - ۲۶۲) و دادگاه با نظر دوم موافق است. بنابراین، طبق اصطلاح حقوق بیگانه، ارش یکی از مصادیق خسارت انتظار است. در واقع، طرف زیان‌دیده با دریافت ارش کالای معیوب از لحاظ مالی در موضعی قرار می‌گیرد که از اجرای قرارداد و دریافت کالای سالم انتظار داشته است.

منافع ازدست‌رفته. یکی دیگر از مصادیق خسارت که برای پی بردن به هدف از پرداخت خسارت راهگشاست از دست رفتن منفعی است که از اجرای قرارداد انتظار می‌رفته است. در آن دسته از نظام‌های حقوقی که هدف از جبران خسارت قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت فرضی پس از اجرای قرارداد است، یکی از مصادیق مهم خسارت قابل مطالبه ارزش منفعی است که در صورت اجرای قرارداد خواهان به آن‌ها دست می‌یافت و وی به دلیل نقض قرارداد توسط طرف ناقض از آن‌ها محروم شده است. مثلاً، اگر تعمیرکاری که متعهد شده است ظرف ده روز قطعه معیوب کارخانه‌ای را تعمیر کند در اجرای تعهد یک هفته تأخیر کند یکی از اقسام خسارت، که مالک کارخانه می‌تواند مطالبه کند، از دست دادن منفعی است که می‌توانست از راه‌اندازی کارخانه در مدت یک هفته یادشده تحصیل کند. همچنین، اگر فروشنده از تسلیم مبیع به خریداری که تاجر یا کاسب است خودداری کند یکی از خساراتی که ممکن است خریدار بتواند مطالبه کند سودی است که عرفاً می‌توانست از بازفروش کالا تحصیل کند.

در حقوق ما، از لحاظ تحلیلی، منافع ازدست‌رفته ممکن است مربوط به ۱. مال معین؛ ۲. شخص معین؛ یا ۳. صرفاً عمل مورد تعهد باشد و خواهان در نتیجه نقض قرارداد از آن محروم شده باشد. این سه مورد در قالب سه مثال توضیح داده می‌شود. ۱. مالک خودروی تاکسی قرارداد اجاره‌ای با تعمیرکار منعقد می‌کند و طبق آن تعمیرکار توافق می‌کند که در برابر دستمزد ۵۰۰ هزار تومان در یک روز معین فقط به تعمیر خودروی یادشده بپردازد و کار دیگری انجام ندهد. حال اگر تعمیرکار در آن روز به انجام دادن کارهای خود بپردازد، مالک خودرو از منفعت خودرو در روز تعیین شده محروم شده است و بدل این منفعت را که همان اجرت‌المثل منفعت خودرو در آن روز است مطالبه کند. اما ۲. اگر تعمیرکار در همان روز در قالب عقد اجاره‌ای دیگر برای شخصی دیگر (مستأجر دوم) کار کند، اجاره دوم طبق نظر تملیکی بودن اجاره بر ملک مستأجر اول (مالک خودرو) واقع شده است. حال اگر تعمیرکار در آن روز برای مستأجر دوم کار کند، قرارداد اول را نقض کرده و منفعتی را که ملک مستأجر اول بوده تلف کرده است. یکی از راه‌هایی که مستأجر اول در اختیار دارد این است که در این صورت اجرت تعمیرکار در اجاره دوم را مطالبه کند. این اجرت را می‌توان اجرت‌المثل کار اجیر (تعمیرکار) در اجاره اول تلقی کرد. و ۳. نویسنده‌ای که متعهد به نوشتن کتابی در مورد موضوع معینی شده است از نوشتن کتاب خودداری می‌کند و متعهدله از منفعی که می‌توانست از انتشار کتاب به دست آورد محروم می‌شود. این نوع منفعت ارتباطی با مال معینی ندارد تا بتوان آن را از باب اجرت‌المثل مال قابل مطالبه دانست (← شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۸ - ۲۵۷). همچنین، از آنجا که قرارداد در قالب اجاره اجیر خاص نبوده عمل نویسنده به تملک طرف قرارداد درنیامده است و بنابراین طرف قرارداد نمی‌تواند اجرت‌المثل کار نویسنده را مطالبه کند. برعکس، منفعت مال و شخص در دو مثال اول منفعتی قطعی است که خواهان در نتیجه نقض قرارداد از آن محروم شده است. در حقوق ما منفعت ازدست‌رفته در هر دو مورد مصداق «اجرت‌المثل» است و طبق ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. قابل جبران است.

در حقوق ما بر هر سه مورد یادشده اصطلاح «عدم‌النفع» اطلاق می‌شود. اما همان‌طور که برخی استادان متذکر شده‌اند این اصطلاح چندان دقیق نیست (شهیدی، ۱۳۸۳: ۶۹). «عدم‌النفع» یادشده در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. باید بر معنای سوم (که به نظر ایشان معنای خاص عدم‌النفع است) حمل شود (شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۸ و ۲۶۰).

تا آنجا که ملاحظه شد، در آرای مرتبط با خسارت ناشی از نقض قرارداد، مطالبه عدم‌النفع به استناد تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی رد شده است. اما تفسیری که یک رأی تجدید نظر از عدم‌النفع ارائه کرده قابل توجه است:

شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی بخش چهاردانگه در دعوی به طرفیت شرکت آب و فاضلاب چهاردانگه به خواسته الزام خواننده به پرداخت خسارات وارده به خودرو، بابت خواب خودرو و هزینه‌های تعمیر و دادرسی، خواننده را از جمله به پرداخت پنجاه

درصد خسارات وارده و ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بابت یک ماه اجرت خودرو) در حق خواهان محکوم می‌کند. شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران تجدیدنظرخواهی از این رأی را مردود دانسته و اعلام کرده است: «شرایط توجه مسئولیت مدنی به تجدیدنظرخواه در پرونده محرز و مطالبه منافع فوت‌شده خودرو نیز خالی از اشکال است و آنچه مطابق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون فوق‌الذکر قابل مطالبه نمی‌باشد خسارت ناشی از عدم‌النفع است نه خسارت فوت منافع یا عدم‌النفع؛ به عبارت دیگر خسارت باواسطه‌ای که از عدم‌النفع ممکن است مورد مطالبه قرار گیرد به موجب حکم مقرر در آن تبصره قابلیت مطالبه ندارد.» (دادنامه شماره ۹۸۲۰۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۹۲۰۹۹۷، مورخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۷).

در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده است: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست» و دادگاه تجدید نظر به متن صریح این مقرر توجه کرده و اولاً «خسارت ناشی از عدم‌النفع» را به معنای خسارتی که از عدم‌النفع ناشی می‌شود (و نه خود «عدم‌النفع») تفسیر کرده و ثانیاً «خسارت ناشی از عدم‌النفع» را به دلیل باواسطه بودن قابل مطالبه ندانسته است. بنابراین، از نظر دادگاه عدم‌النفع قاعداً قابل مطالبه است و با توجه به اطلاق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ و شمول آن نسبت به تعهدات قراردادی عدم‌النفع در صورت نقض قرارداد نیز باید قابل مطالبه باشد. نکته مهم دیگر در رأی دادگاه یکی دانستن مفهوم عدم‌النفع با فوت منافع است.

هر دو تفسیری که دادگاه ارائه کرده قابل مناقشه است: اولاً هرچند در متن تبصره ۲ یادشده تصریح شده است: «خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست»، واضح است که مقصود قانون‌گذار خود عدم‌النفع است نه خسارت ناشی از آن.^۱ در واقع اگر مقصود قانون‌گذار از مقرر یادشده «خسارت ناشی از عدم‌النفع» بود، با وجود ماده ۵۲۰ قانون یادشده، که در آن تصریح شده است: «در خصوص مطالبه خسارت وارده خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد»، تبصره ۲ ماده ۵۱۵ زائد خواهد بود. ثانیاً تفسیر عدم‌النفع به فوت منافع و آن هم منافی است که از یک مال معین فوت شده قابل پذیرش نیست. در واقع، منافع یادشده مصداق واضحی از «اجرت‌المثل» در متن ماده ۵۱۵ است و منافع فوت‌شده از مال معین را به هیچ عنوان نباید عدم‌النفع مورد نظر در تبصره ۲ یادشده محسوب کرد (← شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

از این توضیحات معلوم می‌شود که از رأی یادشده نمی‌توان استفاده کرد که عدم‌النفع ناشی از نقض تعهد قراردادی به معنای خاصی که در بالا توضیح داده شد قابل مطالبه است و بنابراین نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که هدف از پرداخت خسارت قرار دادن زیان دیده از همه جهات در وضعیت پس از اجرای قرارداد است. برعکس، فوت منافع ناشی از مال معین مصداقی از اتلاف است که در مباحث سابق به آن پرداخته شد.

نتیجه

از مقاله حاضر می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

۱. در این تحقیق، آرای قضایی مرتبط با نقض قرارداد به چند دسته تقسیم شد: آرای اندکی که در آن‌ها هدف از جبران خسارت به‌صراحت بیان شده است، آرای که در آن‌ها مبنای خسارت تعیین شده است، و آرای که در آن‌ها بدون تصریح به هدف یا تعیین مبنای پرداخت خسارت صرفاً مصادیق خسارت قابل مطالبه شمارش شده است.
۲. یکی از اهدافی که به‌صراحت برای تعیین میزان خسارت بیان شده قرار دادن طرف زیان‌دیده در وضعیتی است که از اجرای قرارداد انتظار داشته است. چنین هدفی در همه یا اغلب نظام‌های اروپایی اعم از رومی-ژرمنی و کامن لا (هرچند با

۱. متن این تبصره فریبنده و نارساست و با مسامحه زیادی که شایسته یک متن قانونی نیست تنظیم شده است. در واقع «خسارت ناشی از عدم‌النفع» را باید به یکی از این دو صورت تفسیر کرد: ۱. حفظ ظاهر این تعبیر و تفسیر آن به خسارت باواسطه‌ای که از عدم‌النفع ناشی می‌شود. همان‌طور که در متن گفته شد این تفسیر نادرست است؛ ۲. تفسیر «خسارت ناشی از عدم‌النفع» به خود «عدم‌النفع». در این صورت، به جای تعبیر «خسارت ناشی از عدم‌النفع» باید صرفاً «عدم‌النفع» گفته می‌شد و به تعبیر دیگر واژه‌های «خسارت ناشی از» زائد است. از این گذشته، اگر مقصود قانون‌گذار این باشد، تعبیر «خسارت ناشی از عدم‌النفع» مشتمل بر این نکته منفی است که قانون‌گذار با اینکه عدم‌النفع را خسارت و زیان تلقی می‌کند آن را قابل مطالبه نمی‌داند، درحالی‌که غیر قابل مطالبه بودن عدم‌النفع از لحاظ فقهی به این دلیل است که اصلاً عدم‌النفع زیان محسوب نمی‌شود.

اصطلاحاتی متفاوت، از جمله «خسارت انتظار» یا «منفعت مثبت» پذیرفته شده است. البته دادگاه‌های کشورمان به همه لوازم و آثار این هدف ملتزم نبوده‌اند و به طور خاص یکی از مصادیق مهم خسارت که دادگاه‌ها با استناد به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. از اعطای آن به طرف زیان‌دیده خودداری کرده‌اند ارزش منافی است که متعهدله به دلیل نقض قرارداد توسط متعهد از آن‌ها محروم شده است.

۳. در برخی از آرای مربوط به خسارت ناشی از نقض قرارداد برای تعیین میزان خسارت به مبانی پرداخت خسارت، از جمله اصل جبران کامل خسارت و انتظار و اعتماد مشروع، توجه شده است. توسل به این اصول، که ریشه در حقوق غرب دارند، به دلیل فقدان سازوکار و مقررات لازم با دشواری مواجه است.

۴. اتلاف و تسبیب دو مبنای دیگری است که برخی از دادگاه‌ها برای تعیین خسارت به آن‌ها استناد کرده‌اند. توسل به این دو اصل سنتی که امروزه در ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. مبنای خسارت ناشی از نقض تعهدات معرفی شده است راه‌حل مطمئنی برای تعیین مقدار خسارت است. البته تصریح به اتلاف و تسبیب به عنوان مبنای پرداخت خسارت پیامدهای متعددی دارد. یکی از این پیامدها این است که تا جایی که به اتلاف مال مربوط می‌شود مسئولیت مدنی قراردادی و قهری تحت نظامی واحد قرار می‌گیرند و از مبنای مسئولیت قراردادی در نظام‌های حقوقی بسیاری از کشورها فاصله می‌گیرند.

۵. اکتفا به بررسی یا کشف اهداف و مبانی پرداخت خسارت در آرای قضایی برای پی بردن به هدف از پرداخت خسارت ناشی از قرارداد کافی نیست. برای پی بردن به اینکه محاکم کشورمان از پرداخت خسارت ناشی از قرارداد چه هدفی را دنبال می‌کنند یکی از راه‌های مناسب توجه به ارقام و مصادیقی است که در عمل به عنوان خسارت قابل مطالبه تعیین شده است. در این بین، دو مصداق، یعنی ارزش و منافع ازدست‌رفته، بررسی شد. اجرت‌المثل نیز در صورتی که به مال یا عمل شخص معینی مرتبط باشد مصداق بارز محرومیت از منافع قطعی‌الحصول است و می‌تواند از باب اتلاف مطالبه شود. با این توضیح، اجرت‌المثل و نیز ارزش را می‌توان مصداقی از خسارت انتظار تلقی کرد که هدف از آن قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت پس از اجرای قرارداد است.

۶. هدف از پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد ممکن است اعاده زیان‌دیده به وضع سابق یا قرار دادن وی در وضع مطلوبی باشد که از اجرای قرارداد در نظر داشته است. پرداخت خسارت در آرای قضایی کشورمان بر حسب مورد ممکن است یکی از این دو هدف یا حتی هم‌زمان و بر حسب مصادیق خسارت قابل مطالبه هر دو هدف را دنبال کند. مثلاً، خسارت ناشی از اتلاف عین مالی که در نتیجه نقض قرارداد تلف شده درصدد اعاده به وضع سابق است، اما ارزش درصدد قرار دادن زیان‌دیده در وضع مطلوب از اجرای قرارداد است. در نهایت، از بررسی آرای قضایی این نکته به دست می‌آید که تا جایی که به عوض قراردادی مربوط می‌شود هدف از جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی است که از اجرای قرارداد انتظار داشته است.

منابع

کتاب‌ها و مقالات

- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق.)، کتاب المکاسب، ج پنجم، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ ه.ق.)، *العناوین الفقہیة*، ج دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی. شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی عم*، تهران، مجد.
- _____ (۱۳۸۳)، *آثار قراردادها و تعهدات*، تهران، مجد.
- عبدی پورفرد، ابراهیم و پرهیزگار، عبدالرضا (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی مبانی التزام به عقد با تأکید بر نظریه اعتماد. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲ (۴)، ۶۷ - ۹۲.
- قاسمی حامد، عباس، خسروی فارسانی، علی و آقابابایی، فهیمه (۱۳۹۲)، خسارت تنبیهی در حقوق ایران، *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۱، ۱۶۱ - ۱۸۷. قسمتی تبریزی، علی (۱۳۹۴)، اصل جبران کامل زیان، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۷ (۱۳)، ۱۳۵ - ۱۷۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، *قواعد عمومی قراردادها*، ج چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۸۷)، *قواعد عمومی قراردادها*، ج پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۹۱)، *مسئولیت مدنی*، ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین (۱۳۹۷)، سپرده تعاونی (امتیازی) به عنوان نسل دوم فعالیت‌های قرض‌الحسنه، *اقتصاد اسلامی*، ۱۸ (۷۱)، ۶۷ - ۹۸.
- نجفی، محمدحسین (۱۳۹۴ ه.ق.)، *جواهر الکلام*، ج سی و هفتم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی هدف از پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد، *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۲ (۱)، ۳۶۹ - ۳۹۶.

آرای قضایی

- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۰۴۲۸، مورخ: ۱۳۹۲/۰۴/۱۶، شعبه ۳۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۰۰۴۶۶، مورخ: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴، شعبه سوم دادگاه عمومی کهریزک.
- دادنامه شماره ۱۰۶۴، مورخ: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸، شعبه ۳۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران.
- دادنامه شماره ۱۳۱۳، مورخ: ۱۳۹۲/۱۱/۰۷، شعبه ۱۸۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران.
- دادنامه شماره ۴۹، مورخ: ۱۳۹۲/۰۲/۰۳، شعبه ۱۴۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران.
- دادنامه شماره ۷۷۵، مورخ: ۱۳۹۲/۰۶/۳۰، شعبه ۱۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران.
- دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۸۷۰۰۷۴۰، مورخ: ۱۳۹۰/۰۸/۰۷، شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران.
- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۹۵۰۰۷۸۲، مورخ: ۱۳۹۱/۰۵/۰۱، شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۱۱۹۰، مورخ: ۱۳۹۲/۰۹/۰۳، شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۹۸۲، مورخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۷، شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۴۰۰۱۱۰، مورخ: ۱۳۹۲/۰۲/۱۶، شعبه ۵۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۹۶۸، مورخ: ۱۳۹۳/۰۹/۲۷، شعبه ۷ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۵۰۰۲۹۸، مورخ: ۱۳۹۳/۰۷/۲۹، شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۲۱۳۰۷۰۰۲۸۱، مورخ: ۱۳۹۴/۰۳/۲۷، شعبه ۶۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- AbdipourFard, E. & Parhizgar, A.R (2015), A Comparative Study of the Bases of Contractual Commitment with Emphasis on the theory of Reliance, *Comparative Study on Islamic & Western Law*, 2 (4), 67-92. (in Persian) <https://doi.org/10.22091/csiw.2016.724>
- Ansari, Sh. M. (1989), *Ketabol al-Makaseb*, Vol. 5, Qom, Ansari Ansari Congress. (in Arabic)
- Bayles, M. D. (1983). Introduction: The Purposes of Contract Law. *Valparaiso University Law Review*, 17 (4), 613-626.
- Katouzian, N. (2001), *General Rules of Obligations*, Vol. 4, Tehran, Enteshar Pub. (in Persian)
- (2008). *General Rules of Obligations*, Vol. 5, Tehran, Enteshar Pub. (in Persian)
- (2012). *Civil Responsibility*. Tehran: Enteshar Pub. Vol. 4. (in Persian)
- Hosseini Maraqi, S. M. A. F. (1417 AH), *Al-Anavin Al-Feqhiyyah*, Vol. 2, Qom, Islamic Publications Office. (in Arabic)

- McKendrick, E. (2012), *Contract Law; Text, Cases, and Materials*, Oxford, Oxford University Press.
- Musaviyan, S. A. & Meysami, H. (2018), Cooperative deposit (concession) as the second generation of Qarz al-Hasna Activities, *Islamic Economy Quarterly*, 18 (71), 67-98. (in Persian)
- Najafi, M.H. (2015), *Javaaher al-Kalaam*, Vol. 37, Beirut, Daar Ehyaa al-Torath al-Arabi. (in Arabic)
- Nematollahi, E. (2021), A Comparative Study of the Purpose of Awarding Damages for Breach of Contract, *Comparative Law Review*, 12 (1), 369-396. (in Persian). <https://doi.org/10.22059/jcl.2020.306369.634042>
- Qasemi Hamed, A., Khosravi Farsani, A., & Aghababaei, F. (2012), Punitive Damages in Iranian law, *Judicial Law Journal*, 81, 187-161. (in Persian). <https://doi.org/10.22075/feqh.2017.1943>
- Qesmati Tabrizi, A. (2015), Principle of Full Compensation, *Feqh & Islamic Law Studies*, 7 (13), 135-174. (in Persian). <https://doi.org/10.22106/jlj.2013.10982>.
- Saidov, D. (2008), *The Law of Damages in International Sales; The CISG and other International Instruments*, Oxford and Portland, Oregon.
- Shahidi, M. (2003), *Civil Law 6*, Tehran, Majd. (in Persian)
- (2004), *Effects of Contracts and Obligations*, Tehran, Majd. (in Persian)
- von Bar, Ch., Eric Clive, & Schulte-Nölke, H. (2009), *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law; Draft Common Frame of Reference (DCFR)*, full edition, Munich.

